

کامی هیچه کنین مد کشور در کشور کست داری استین روسته راستان طر اسرد کاس طراق مدد بخی ادیده استی آباری با در در استان بیش کنید در استان میکند در د

میکن در و آنسهٔ فاتید رفتار در بالدر فی نفره در است دادر استاد بدیداد شار استان اسال کنید در دست در انتخاص می بادید در بازی امیان بدگر هارش می سد راه رسید استان

-

## نافعة مؤكسة معام المنافر مداد الأنواري رافع (العراب الرافع

الله الله المحتمل على أمو با المقدد من مياة عائد بالكاف سنة. مياه الألباء والمحاوضة المياه الألبة ديها فيه الألب منذ أم ولم أن سيرياسة أن الله يجول أمن سائة الأيانة يقسم في المثا

در دیدار او هدرها بعدر دارد استان الما راهندر استان دیدار استان در استان الما دارد استان در استان در استان ای در استان در استان در استان ای در استان در است

وانسه دا خان بسده ما استان در استانه واشام دار ادر د دارد شو کا احد واند که بدوه است.

. .

## -

ية مواردها الطاميونية بالإمام الراحات الم من الله ما أموا المارية المارية في الماليسة. من المارة عرب إلمان

، در مکار کی آخری است. داختر باکتر میں سازمان پیش فارد کی اور موز مکارد در در میٹر باد میں سازم داختر آخر کا در داختر کا میٹر باد میں سازم کا در آخر کا در کا در داختر کا در داختر کا در داختر کا در کا در داختر کا در کا در داختر کی داختر کی در داختر کی در داختر کی داخ

A CONTRACTOR OF THE PROPERTY O

ا استياد الراز في منيف مع لا الميكر من العبر مار عام در الدادر الله القائم منادر الدارات المنادر الداراة المنادر الله القائم منادر الدارات المنادر العادرة العاد

مود و الاختراف مود والأساق به بارقاد التي المرد د الدائم الله الدائم الدائم بالاختراف بين الإلاد والقرار الله الدائم الدائم المناصص من يتم الإلاد والمناص الله الدائم الدائم المناصص من أن سبع المناص والمناص والرس الدائم الدائم الدائم المناصرة المناصرة المناصرة

garden (am. p) of the plant of

در او او مداخر ارسته او امی مدسته دسته دادم از دمان به آن از دو الرحاد مراقع دمان ارسته به مداری دافرور به قریبه از در دراست او دارادداد ا A comment of the property of t 

ا واد ادر در محمد روسی محمد مرد برد . . . . راد مدر دارایی در دانش به خراد در اید خاصلی هزان داد در اد که از ۱۹۵ بید . . . مدر دم دادرد ادر ایس Million was with widow do

هر چار مار فره برو نیمه شد فر فردیده داشته دراه و در در دراید به بعد داد از دار شورد کردار شرورد اید

ستا ایل بیده مرده این ادامه بناه سی که او با اصوار کنامی. بر باد فی اللبانه داخلیه دامون یک الات برداید باید داده در درفت بیش به پیشانی اید کنامی درمید باشد و خود . مناط در دای الات

نیز کا دید کی جیا د کسی کاری د د کا میکو کی خاند پرکار دید در از ساخته د باز کا ای خاند دارای داد داد خواند داد داد کار

AND THE CONTRACTOR AND THE CONTR

- HER BAR AND AND THE PARTY OF THE PARTY

THE SAME AND ADDRESS OF THE PARTY OF

ر باقد و بعد ما ما در دوره ما فام و المادات. ما در در فام ماداد ماد الله الدائد و الباد الا در مداور ماداد بادام المعرد أدام ماداد الاسام و

ان بالات الات الفات الله الرسان الوسطية الله الرسان راحوا الا الرس الله الحراسان الله في الدانسة سيسة أدياش را الراسان الله وأسس مناز رافات المراقع الراس والرسان

Annual Control of the Control of the

دو واريم به عداد وم ه م مام خدم الرعبيس

المراقع المرا

را این مواد مواده به دست و این امورق در باست است است این در است ای مواده این در این این در در این در در این در در این در در این در د

A State of S

و الرواد المارين و ما و الماريد

در استخدام این اس

الما المدينة في وقراعي المنتقل المناب ميتراني بدائل الأيدا والما المائل المنتقل المنتقل الأواد المناب المنتقل المناب والاستد في المناب المناب المنتقل المنت المنتقل من المنتقل المنتقل المنتزل المنتقل المنتق

در بهدادید در کتب پردهکتری و دیدر بکت ماندر در درسا در از درسا

ئید که بینجان و اخو جاید به کار در کام و خدم در خو اگر کم که آل دوله دریا که جمعی از در خرا در کام در این اساس در کامی کمر کا را در خرا در در کام کام کام کام کام کام کام را داد کر جمعه در در کام کام کام کام کام کام کام کام

را والأولى في أناهي فالمر فالموافقية والمطابقية في الما المرافقة على المرافقة على المرافقة على المرافقة على المرافقة على المرافقة على المرافقة الم

and the second of

را از میشد است و مطروع باید بین سب بر باید کند از خان میشد بر مطروع باید بر اید داد است کند سبز بر مصروف بر میشود و سعران اید بر از مصرف این میشود و مصر این در داد

ا هما در ۱۰ در داری در به در به موابله هما در در به در داری در به دها دی معاودی

A. Service and a substitute foreign the second secon

یا بادیا : پیده سرز مسابقاً جویدر در ادبی متن مجاید با در مایا که دو افغازات اصطفاه این پیوند کو اصد بل بده در این آن مسئلات افغاز دار افغازه این افغاز این افغاز این افغاز در این

and the second s

The state of the product of the state of the project of the state of t

رود المراق ما المن سمول عدد المراق ا

الدائل برجهد بكل دانوا برخان ادرجه الرواحة الروا برخان ادرجه الرواحة الرواحة المادر الرواحة الرواحة الرواحة المادر الرواحة الرواحة الرواحة الرواحة بعد الرواحة المادرة الرواحة الرواح

ی و دنیا بخیر در بخیر افراد انتیاب در نشاند اکتیر در بدر دکتور کار کار می در افغای باید در میب امر د دار بخت باز دانشود ی و دنیا او دانشار آمد در می در نژو ادار آمره ای

ک باد کی مکان اکتبر کا بین بیشتر پایل سند پایل . ۱۲ بقور پخاک بور بیشار باق با میچا ۱ بیشتا مصد پر اطار کار سالا بید فرمتر کار . سا در آن پیسال در آن کاموس در دید کا کار دیستر

and being the

the state of the s

وليده وساحتها ودالي

Example of the party of the par

ر های خواه پیشد باق مینود. بینمه ایر هر در اور میدها منت هر در مصر ها منت

را مر خب و در فرخوا در حصر بر حصوری کی فیدا در و هار هاد

ميد فرمسم وعطمت

الارجام مند و راح حالات الراق أمرة منز من من الراق المرافعة المنزد و الراق الأولاد الأخطأ المنزد المنزد الأولاد الأخطأ المنزد ا

And the second s

مي ما مواد مي مي مي الله . ادر با الله الميان على في الداخل الدي مي الدي الداخل الداخل الميان الميان الله الميان الميان الماضل الراحة الذي الله الميان الماضل الماضل ال

فلوطو فالدغو فالدغوب

ایات و از اجماد در طور مدامر برخور خداند برند مر الربعام محافر مراما با الدار در در

نصر الجواد فر فر سرير الله فريكولو بنكور در الإسكار رحد الله القراء شراها رحكم، فإلم الراكو الله الإسكار لهر بيام إلى التر فري له إيدا سيكي 2 سنة إسمار در ايرام المنكول الدرة مدر ومراد

، کند کنیل (۵۰ مال مشر ۵۰ وفاد کا، پداند تامید افاد مد ۱۹ و مده مزار می اینهایی مده اماسی، در ایران

ی بعد ماز بر ماو خیشتی سند فاسس، در بر از ند در آیدهای ادرمار باشیده ساد همیر شار آسازی میه 

ر بوده کارل کو هنر وصور شد واطور وحوارد بهوارسه اینان بعثر انگر واصعه انتوان بودنده انتقال نفو اندن

AND AND THE TOTAL TO SERVE THE TOTAL TO SERVE THE TOTAL THE TOTAL

ر بالد می کار استان کار در استان می این استان با در استان در استا

دون کامت الصدار وابول می کار این طرف این است. به اصدید کنیو سد راصف (الحقوق رامیدی ترجید می ا در موادر الصدی را الادر این مینا داد امیدی است. به موادر مید می ایندی می است. این بر آلف

روع الروح والفر فقيلة القرار والعلم المؤسسة وفي المساولة الدين المقرر المدادة والمداد الماسة وهو الروح والذي أن الحد المراجعة الماسة الدينة الدينة الدينة الدينة الم

The form of the street field

برد مدن بربندست برعده مير ه وحضر محدول فليات عشر فالدام بعث بر مراز معا فللوارات فراناللي في الله مي وهموداد از از عام فليا احداد و مي روحه فلا كالمعادرات فراد فراهم و مي الله سود فليا وحدة في حدد فلا فراد و مي الله بعود همية و متن بعد را بدلا براتزالا استانیا در شم را تنه بها حد فیل میاه از به فیل فو پیداد میداد و فر می این این متاز با صوره ها شیخ را معای عال درسان به با و الدولية مستقل و كانا بالا در شد در ما تقد الدول و خرجي در است - الشكل در طور ما دول و الدولية في مطاعمت الدور معلى الاطل محاسا أي ميد معلى الاطل محاسا أي ميد معلى در مده و الإسرائيل و الدول الدور الدور

and the second s

و آنو فرد داد. ایران سر البرد الاس مادار بد البردات البران الدارس البرد الاستران و البردات

And the second s

The state of the s

A STATE OF THE PARTY OF THE PAR

ر مان الواحد على المداعد المراب الأثاث المراب ا المراب المرا المراب المرا

اميرا و سوراه بد و بهايات بايد. و رستو او جو ميشارق ساه سناري در در در سم جا الدائر او بد و سر ماشور رسز باشا آيا

در المثلاً حال بند بالي الطواع بنام والي الد المثلاً الد المثلاً ومدال بدر الميا الألفا الذر ويدان الميا

است می بر وید همی فراهد خاراند می وادد. و حد مدر مقوی حد یمی بر در حد ست بنتر د.

و رخان شا ر لیب خان املیق خان میزاد. شر بخان بر مر باز از ایل حالی خان ایل د ایل ایک د مدر بر مر باز ایل حالی خان ایل د ایل

د فقر و سهه برنا بسر فقر هو د. په تقو هر. در وده: ۱ دخه سر دفتن خه در سر دمان خه لیدا

ا و حالا حبر اطاری حالا این عمر اطاق حالا ایندا این آلمه اسالا اطاری از اشور قبار است. ادار اطاره اطام اینداف صدر در این ادار در امر باله آلمه ایندافت مدر در اشام در امر باله آلمه

و رکل خون ر خان که اسا ر زیار کا سند از این که کار از سال کار کی او سرختیز آف برد دادان بو پر از طال کار که بیونده کار و مشروع ترام متال به سناه دید در استان در از میرفد استان متورف در متابات در از میرفد و ماد برقال برقال بای ماد الدول ماد الدول ورساني داده ساده فلينيل ساده ايدو در سيد. دراسان بدر در احم اف سيد د انتقل لا دار سه شه. دار ده داد ه حلی اصدار برمی داندی داد. حلی ما در متر ر شهل در ماد بر بیر داد دار این دانهٔ برد داد. در باز شهر حلیب باز دار هاد دار زید ای وال . خدار کوف فدائی، یا از بای گرام بر مید، بر بید مداهد خداد کرکتها بایا

and the second s

ر دارای در استر این بین فارس می مود میشود دارد را با را اگر دارد استر این می است در استان این میشود با میشود در امار در دارد استر این استر استان در استان این استر استان در استان این استر این استان در استان در این استان در این در استان در استان در این در استان در استان در این در استان در است

ه بهر در سند داد این میشود شدو ا استان استان این دادند در استان شو که باد در سال داد یک در مع دارس در استان شو که باد در سال که در در

ر ماه الماه سبيط مطربة بالوجية الدائم يتما مدي قديد فالوجية الاستداد الديارة اللاطاقة بعوالي براف. مدة فعير مقول الاراساة في الراسات الدائم معطر يتمار والشار القيادات المؤرات الا

الد او معطوع شرح مشور شهوه به بطواره به الداخه الد

ستو در درد امو در داد و مقادمی فاتون باشد. در داد درد در در در داد در استان استان فاتون باشد.

د مرف ده. و محر ما راجز از خاراه استراده را نه

ورمه اید در سر فریق خد منا ر زیر در ریاز د او ادر سی د افغانی حدر در ادران

ورمان منخ برخان ماه نیمان و در ماه با با بخ ماه داده در این از من بر تیم بیرس با بخ در ایند دادن برخیره ماه اداده سما

ر بدن بطا خاطان بر فرد او برخی بتنها خاط نیدا بر در باد سال خام بر در بود ادر از در در خاط بر در باده ا

الراحد به الرحيط الراحد المستخدم المست

ه و خدمتر طاور ها بیند دیده در در طایع ادباره ایندر کند در دیده بیستان طایع این بین درو از ایند در و دیده امراد او در داد

بيار دي از اند وي وشاه عرب او تي د عن اند قام حوصل در وي و داند بيسا ليا دار نام خريز يان سا

ر زاد پادارد در پیده بدر طول در بخورگام ۱۰ مدر محمد فر ایدار طارحی امراز داد بدست

و رماه خدر متزوره اسید نازه د بیند : به حوش در صدر عبد به اید د اور را در نام

بد عدد بلا الحيد به حربها عليه مر يحق عرجه. حيث علقاء عمر عن القراعة في طرحان برحة الا علية عاملة في عار Amount the property of the property of the con-tract of the property of the contract of the con-tract of the contract of the contract of the con-tract of the contract of the contract of the con-tract of the contract of the contract of the con-tract of the contract of the contract of the con-tract of the contract of the contract of the con-tract of the contract of the contract of the con-tract of the contract of the contract of the con-tract of the contract of the contract of the con-tract of the contract of the contract of the con-tract of the contract of the contract of the con-tract of the contract of the contract of the con-tract of the contract of the contract of the con-tract of the contract of the contract of the contract of the con-tract of the contract of the contract of the contract of the con-tract of the contract of the contract of the contract of the con-tract of the contract of the contract of the contract of the con-tract of the contract of the



The second secon

ما الله الموسوع المراحم المراحم الموسعة والمراحم الموسعة والمحمول المراحم الموسعة والمراحم الموسعة والموسعة والموسعة الموسعة الموسعة

ر است. سای میانه شده ایرون در افراد داد. افکاه در ایران فقل و درای داوان در در و ها داد بر ای داد اماران شایدهٔ داد؟

، خاد در این ایا به در در باز بر دید بعد کار ۱۵ بردگی مسلم بر در در در این از اداره مسلم این برد در برد: مسلم به در صدی بارد در اشتران در ا میکه پیراز از ایل مداخر بر شهای بارد در اینا از ادار و حاص باز براهای سند پس بر میده فاتیا د خاص در میده فاتی باشد پس و از اسی بر د خاه استان باشد فیس برخان دیرس دا ای د فاتی داد میشد فیش برخان دیرس داد

و در سی باشد دی در میراند می و اوری په محب جمیع در سوم کارکار کار بارد در میادد مید کار کار اوری کارکار کار در کار ه ده است این سر نری بر دانی می به مطلا بر ده دانید جاشد دهاست صفیاد بیشا پیشه بد می بد به بر طرف دهاشت به 3 افز بیشه می برده دهاست به A COLUMN CONTRACTOR OF THE COLUMN COLUMN CONTRACTOR OF THE COLUMN COLUMN CONTRACTOR OF THE COLUMN C

راست رفاز در سنیا اهریت رسته اسان براست به در این ارزاد زمین کار سره اشان اسیست در اسیس ب این در این در داده ری بیان این امی و بیان این ا در داده داده داده در افازه رفاز در افراد ادر این امراز از سره

ال حد الله و رسو ، بين عقر ، بيسز طوي عطر و خد من عيده ، في رسف و مر طو المراك من المحافي المام المراكدة المراكدة المراكز الحاض المحافي المحافي المحافية المراكدة ال

ي المال بر الراب الأرادات در وضور بر ميان الأرادات منظ المالة estately oxisoscies

بسالز در رومیر در دوید هر دورد سه باشار به در ادر به و در داسان و مدار می است.

ها بر ایند از این دختیان دین استان سال دی س بیما این بینا در متا را باید در اید در های باید در حد اید برده هایشد بیان پایی داید دین در دریا بیما دیگا در سال دینا مالا بیشت در خارد زادت بر در استان می ها ایدر تعال برد در در زادت در حد در خاری

و برو بدارس اید در معددهد حدود و په په تفد کر او راد فارند راه معزد درجه برود در و در در فارق در تباه در نجه درجه در فورو

ا فسم دارای دستو در ایر دشته در ایر شدا در دما داد اثر ها کار در دارای فارسی در ایر امر در دا دمر ایر فشاه امران ایر شا باز در اردان ۱۵ امر در در در ایر ایر این امران از دما امران در طرح ها در شار ایر دیان شار از دیان

ه مید در کیت دید. در مید در به در ما در داد کشد بید د ها در مثل بیده در کی مثل مید که در دو در مید در مد در می در می در می در می در امل کا به مثل و در مید در می در می در می در می می میاشی فها و د مید میاه در در پیشا و امر در کار در می میاه شی

کی جائدہ در اور کا انداز اللہ باد در در رائے

We design the property of the

الرائية المعلى المعلى المستقدة المستقدات المعلى المستقدات المعلى المستقد المستقدة المستقدة المستقدات المستقدة المستقدة

and the control of th

المالة من التي موسى الله مسألة الأنشاء المحافي التك المواد المعافية المسافقة المواد المحافظة المسافقة المسافقة

The state of the s

ماستاندو آرمان مرسان النواد الواد سار دراز کا رمواه سازیه می بازد در از مرسود

Reparented to hard an inter-ional of the part of the part of the "Simple of the part of t

فيعمر من بعمر مر فعيد سيو و بدام شرائي هيدا البدائر فياد ريد في فيلهاي الاحتا بعدد عبد عليه مراضي فيريد الهجائزان داند





















